

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

### درس ترک تعلق و آمادگی ترک همه چیز و همه کس در سیر به سوی خدا

**کلمات کلیدی:** امام حسین علیه السلام، درس‌های مکتب عاشورا، ترک تعلق، وطن، خانواده، توقف، هجرت، غیرخدا، دلبستگی، اعتیاد به قدرت، دل کندن.

امام حسین علیه السلام در حرکتی که انجام دادند، هم از موطن اصلی خودشان [او هم از عزیزانشان] دل کندند. می‌دانید که مدینه محل تولد اباعبدالله علیه السلام است. مدینه خاطره‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله را در خودش دارد؛ خاطره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در خودش دارد. مدینه شهر پیغمبر صلی الله علیه و آله و موطن اباعبدالله علیه السلام است و طبیعتاً آن را دوست دارد؛ **حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ**<sup>۱</sup>. امام حسین علیه السلام در این حرکتشان هم دل از تعلق موطن خود می‌کنند و از آن هجرت می‌کنند، شهری که خاطرات بسیار گرانبهایی برای حضرت دارد، شهری که محل دفن رسول الله صلی الله علیه و آله و مادرشان فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است، این یک جنبه، و جنبه‌ی دوم اینکه در این نهضت، از عزیزترین عزیزانشان هم چشم می‌پوشند و می‌گذرند؛ از پسر رشیدشان علی اکبر علیه السلام، برادر رشیدشان ابوالفضل العباس علیه السلام، برادرزاده‌هایشان قاسم بن الحسن و عبدالله بن الحسن علیهما السلام و دیگر بستگان و یارانشان، عزیزترین کسان و خانواده‌شان، از همه‌ی اینها می‌گذرند. هجرت و جهاد اباعبدالله علیه السلام نشان‌دهنده‌ی قطع تعلق و دل بریدن از آن چیزی

۱. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۲۵؛ هاشمی خویی، منهاج البراعة، ج ۲۱، ص ۳۹۴ و مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام،

به نقل از امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۲.

است که انسان می‌تواند سر دو راهی، بین خدا و آن چیز، مردّد بماند. امام حسین علیه السلام لحظه‌ای تردید نکردند؛ نه در مهاجرت از مدینه به سمت مکه و از مکه به سمت کربلا زمین او را متوقف کرد، و نه در دل کندن از عزیزترین عزیزانش، زن و بچه‌اش، خانواده و نزدیک‌ترین و محبوب‌ترین دوستان خودش؛ و این یک درس بزرگ است که باید بیاموزیم؛ چون این هم می‌تواند ما را معتاد کند؛ همان‌طور که قدرت برای قدرتمندان زیر دندان‌شان مزه می‌کند و می‌توانند عادت کنند و کم‌کم معتاد شوند و دیگر حاضر نباشند به هیچ قیمتی از اریکه‌ی قدرت پایین بیایند و عرصه را به دیگری بسپارند، همین اتفاقاتی که در زمان ما در جهان اسلام می‌افتد؛ مثل قزافی که در لیبی بود، چند سال حکومت کرده بود؟ حسنی مبارکی که در مصر بود چند سال حکومت کرد؟ بن‌علی چند سال حکومت کرد و دیگرانی که علیه آنها قیام شده؟ رئیس‌جمهور یمن چند سال حکومت کرد؟ همه حکومت‌های طولانی، و این حکومت‌های طولانی این فسادها را ایجاد کرد؛ این از آن طرف، و این طرف هم خود مردم، خود ما، هم رهبران و هم پیروان در معرض این هستند که دلبسته‌ی چیزهایی شوند که غیر از آن حقیقتی است که باید به آن دل بست. همه چیز غیر خدا موقت است، همه چیز غیر خدا شایستگی دلبستگی مطلق را ندارد؛ چه خانه و شهر و دیار، چه خانواده و زن و بچه و اهل و عیال، و چه هر چیز دیگری غیر خدا. **كُلُّ مَا سَعَلَكَ عَنْ رَبِّكَ فَهُوَ صَنَمٌ**<sup>۲</sup> هر چیزی تو را از ربّ خودت غافل کند، آن بت توست؛ فرق نمی‌کند زنت باشد، بچه‌ات باشد، شهرت باشد، پست و مقامت باشد، آبرو و اعتبارت باشد، پول و ثروتت باشد، راحت و لذّتت باشد، هر چه که تو را غافل می‌کند و سر دو راهی تو را دچار تردید و درنگ می‌کند که این را انتخاب کنم یا آن را، یعنی وقتی بین خدا و آن چیز مُخیر شدی، باعث توقف تو می‌شود، این بت توست. و انسان باید بداند که به هیچ چیز غیر خدا نباید آن‌گونه دل ببندد که

---

۲. از اقوال اهل معرفت.

بتواند آن را بین خدا و خودش مردّد بگذارد. آمادگی کنده شدن و دل کندن از هرچه غیر خداست، آمادگی بسیار مهمّی است؛ ولو غیر خدایی‌ها رنگ خدایی داشته باشند.

امام حسین علیه السلام العیاذ بالله که دنیاپرست و دنیاطلب نبود؛ اگر به مدینه دل بسته، به خاطر این است که پایگاه دین خدا و محلّ دفن رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است. اگر به فرزندش، به برادرش، به عزیزانش دل بسته، به خاطر این است که اینها چهره‌های بزرگ الهی هستند، نه به خاطر تعلق فامیلی و نسبی؛ اما در عین حال اگر سر دو راهی گیر کرد نشان می‌دهد که مشکل دارد؛ ولی امام حسین علیه السلام ذره‌ای درنگ نکرد. روز عاشورا هر یک از اصحاب می‌آمدند اجازه‌ی میدان بگیرند حضرت مقداری معطلشان می‌کرد. اما علی اکبر علیه السلام که آمد، گفت پدرجان آمده‌ام اذن میدان بگیرم، حضرت فرمودند: برو، خدا به همراهت! ذره‌ای تردید نکرد. با اینکه یقیناً عشق و علاقه‌ی امام حسین علیه السلام به علی اکبر علیه السلام از همه‌ی یاران و اصحابشان بیشتر بود، در این قضیه تردید نیست، حتی از ابوالفضل العباس علیه السلام؛ اما ببینید یک لحظه درنگ نمی‌کند. یاد بگیریم به هیچ چیز دل نبندیم.

از قدح‌های صُور کم باش مست	تا نباشی بت‌تراش و بت‌پرست
عشق آن زنده‌گزين كو باقی است	کز شراب جانفزایش ساقی است

این درس بزرگی است از درس‌هایی که از نهضت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌شود آموخت. مواظب باشیم در هیچ کس و هیچ چیز متوقف نشویم؛ نه بستگانمان، نه دوستانمان، نه استادانمان، نه شاگردانمان، هیچ کس، به‌طور مطلق می‌گوییم. هیچ کس نباید ما را در خودش متوقف کند؛ نتواند ما را سنگین کند

که نتوانیم از او بگذریم. **اِنَّا قُلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ! اَرْضِيْتُمْ بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْاٰخِرَةِ؟**<sup>۳</sup> این طور نباشد که فرد روی زمین سنگین شود و نتواند بلند شود. برای ترک کردن همه چیز به سوی خدا آماده باشیم.

امام حسین علیه السلام از علی اکبر علیه السلام برای خدا می گذرد؛ از علی اصغر علیه السلام برای خدا می گذرد؛ از ابوالفضل علیه السلام برای خدا می گذرد؛ از قاسم و عبدالله بن الحسن علیه السلام برای خدا می گذرد؛ از همه ی عزیزانش برای خدا می گذرد؛ از خانواده اش، از خواهرش، همسران و بستگانش برای خدا می گذرد.  
گفت:

**تَرَكْتُ الْخَلْقَ طُرّاً فِي هَوَاكَ      وَ اَيَّمْتُ الْعِيَالَ لِكَيْ اَرَاكَ**

**وَلَوْ قَطَعْتَنِي فِي الْحُبِّ اِرْبَا      لَمَّا حَنَّ الْفُؤَادُ اِلَى سِوَاكَ**<sup>۴</sup>

همه ی خلق را یکجا در راه عشق تو ترک کردم. و خانواده ی خودم را هم در راه دیدار تو یتیم کردم. اگر در راه عشق خودت ای خدا، مرا ارباً اربا و قلم قلم کنی، دل من به سوی جز تو پر نخواهد کشید. تو تنها معشوق منی و هرچه دارم در راه تو می دهم.

این درس بزرگی است که باید از مکتب عاشورا آموخت. و آن حریت و آزادگی، آن شجاعت و دلاوری میوه ی همین آمادگی گذشتن از همه ی دلبستگی هاست؛ چون آن چیزی که محافظه کاری ایجاد می کند و فرد را ترسو می کند دلبستگی و تعلق است. آن چیزی که فرد را به ذلت می کشاند و فرد

---

۳. سوره ی توبه، آیه ی ۳۸.

۴. حائری محلاتی، معراج المحبّه (لهوف منظوم)، ص ۹۸.

به خاطر آن تن به ذلت می دهد، تعلق و دلبستگی است. آماده بودن برای ترک، یعنی **إِسْتِعْدَادٌ لِلْمَوْتِ**،<sup>۵</sup> یک ارزش و درس بزرگ است که باید از مکتب عاشورا آموخت.

**صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ**<sup>۶</sup>

www.ahlevela.com

---

۵. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۶۳ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و هفتم ماه رمضان.

۶. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.